

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۳۱ جنوری ۲۰۱۶

جناب آقای "هوشمند"،

بحث من با "هاشمیان" بحث دینی بود، آن هم بعد از تاخت و تاز هائی که "هاشمیان" نسبت به من نمود؛ نه بحث سیاسی! با آن هم:

قرآن می گوید " اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ " "به تحقیق که خداوند قومی را تغییر نمی دهد تا نفس آنها تغییر نیابد" یعنی تا خود انسان ها خود شان را تغییر ندهند، کسی نمی تواند ایشان را تغییر دهد و کمک کند. اگر از این دید، خصوصاً شما که دعوی مسلمانی دارید، به درد های افغان ها نگاه کنید، در قدم اول باید ما خود مسؤول هر بدبختی خود شناخته شویم، نه دیگران – هر چند نقش و قصور دیگران را هم نباید در خواری و بدبختی های خود نادیده گرفت! ملتی که در عصر فضاء و عصر اطلاعات و... هنوز دست به استخاره می زند، تعجبی ندارد، اگر خوار و زبون شود، و دیگران بر شانه های شان سوار گردد و او را خر خود بسازد.

من سفسطه نمی گویم، آنگونه که پیشوای فکری "افغان جرمن"، فیلسوف خران، در مورد سخن های من فکر می کند و شما آن گفته ها را نوش خوار، شاید بهتر باشد نشخوار بگویم، یعنی نیم جویده فرو می برید و حل نشده ...! درک آن چه من می گویم و می نویسم، برای سه گروه از انسان ها مشکل است:

- ۱- غرضمندان.

- ۲- آنانی که هوش کم دارند یا اصلاً هوش ندارند: جهال.

- ۳- دکانداران دین و سیاست و دستیاران شان که بیشتر از خود شان به پلیدی ها آلوده هستند.

شکی ندارم که شما حداقل یکی از این مسائل را در خود نداشته باشید؛ یا دو تا از آن ها را و یا شاید هر سه را توأم و یک جا!!

و اما در مورد داستان زردشت:

شما اگر فکر می کنید که من زیر تأثیر افکار غرض آلود برخی از ایرانیان، یا زیر تأثیر زردشتی ها رفته ام - از نوشته شما همین طور برداشت می شود - یکبار نوشته من را که در مورد زردشت، که در پنج یا شش بخش تهیه و نشر شده است، در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بخوانید. بدون تردید به بی اساس بودن حرف تان در این مورد نیز در باره من پی خواهید برد.

در تمام بخش های این نوشته، غیر از بخش آخر آن، من کوشیده ام وجود حقیقی و تاریخی زردشت را از روی صد ها نوشته، تثبیت کنم، چون کسانی وجود حقیقی و تاریخی وی را منکر شده بودند، اما در بخش آخر آن نوشته به بررسی نظریات زردشت پرداخته آن ها را از دید یک انسانی صاحب هوش غیرقابل پذیرش و یاوه خوانده ام.

شما فکر می کنید کسانی که زیر تأثیر ایرانیان غرضمند - فراموش نکنید که پنج انگشت یک برابر نیستند و در هر جامعه انسان های خوب و بد یافت می شود، همانطور که در کشور ما هم انسانانی شریف یافت می شود و هم انسانانی وضعی - یا زیر تأثیر زردشتیان رفته اند، به خصوص آنانی که با زردشتیان سر و کار دارند و برای شادی آن ها در برابر پول یا به شکل خدائی خدمتگار، چیز می نویسند، به چنین کاری دست می زنند؟ یا آنانی که با کلیسا رابطه دارند یا با اسرائیل و روس و جرمن و...

آیا چنین انسانانی چیزی خلاف مسیحیت یا یهودیت و یا زردشت، خلاف آنانی که حساب بانکی آن ها را ماه به ماه فربه تر می سازند، نوشته می کنند. نوشته های من، که برخی از آن ها در پورتال "افغان - جرمن آنلاین" هم هنوز موجود هستند، حقایقی هستند که روی هر یاوه گو و تهمت گری را سیاه می کند!

می دانید مشکل جامعه ما چیست؟ ما مشکل فرهنگی داریم - بزرگترین مشکل جوامعی، مانند جامعه ما. مشکل فقدان هوش و مشکل تهمت بستن و مشکل تنبلی فکری و مشکل به یک اندیشه، حتی اگر راست هم نباشد چسبیدن؛ مشکل فقدان احساس مسؤلیت در برابر شفافیت و حقیقت و وجدان و خدا و مردم؛ مشکل به خود نپرداختن و مشکل ارزش دادن به رابطه ها به جای ضابطه ها؛ مشکل وجود انسانانی کوتاه فکر دراز زبان، همچون شما در میان مردم؛ و مشکل صفحات اینترنتی غیر متعهد و غیرمسئول، مشکل صفحات اینترنتی که بیشتر به فکر "کلیک" شدن سایت های شان هستند، تا در فکر انسان، چه انسان های کشور خود شان باشد، چه سائر انسان های روی زمین و مشکل سبک گرفتن آنچه انسانیت بر دوش آن ها گذاشته است؛ مشکل خوار شمردن خدمت گزاران واقعی خاک و مردم و حقیقت پسندان حقیقت گوی و بی اعتنائی به وظیفه مقدس بیدار ساختن مردمی را که در منتهای بدبختی و بی خبری از جهان و از هستی به سر می برند و در گه و شاش خود می لولند، و به همین دلیل فقیر، نادار، ناتوان، زیون و بدبخت هستند. شما زنده باشید؛ به قول آقای "اکرم عثمان"! همین آخرین نوشته من به شما خواهد بود، زیرا کسانی را که به فکر تغییر خود نباشند، مشکل است تغییر داد.

نوشته قبلی شما را به درستی مطالعه نکرده بودم. به همین دلیل ناچار به نگارش این سطور شدم! آدم وسواسی و سهل انگاری، مانند من، همواره یک کار را دو بار می کند. بدبختی من هم همین است.

نظر شما در مورد بینش کوتاه من احتمالاً درست است. ولی من پیش وجدان خود شرمند نیستم، زیرا با همین بینش کوتاه، و با همین برداشت ضعیف و سخیف، شاید درست و شاید نادرست، آن گونه که شما تلویحاً اشاره داشته اید، احساس مسؤلیت کرده وقتی را که می توانم برای گردش و تفریح و نشستن با خانواده و یا با دوستان سپری کنم، به خون دل خوردن و به نوشتن می گذرانم.

شما که به لطف خدا عقل هستید، چرا تا حال، با آن که از نعمت هوش برخوردار هستید، چیزی نوشته نکرده و برای بیدار ساختن مردم کار قلمی - فرهنگی - سیاسی نکرده اید؟

از عمر "افغان جرمن" کم و بیش پانزده سال می گذرد، چرا نام شما، دفعتاً امروز، مانند "گل ارغوزک"، مانند ده ها نامی که هر از گاهی فقط یکبار در این سایت ظاهر می شوند، ظاهر شده است - نه قبل بر این؟!

۲۰۱۶/۰۱/۳۰